

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۹/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۲/۱۸

علیرضا هژبری نوبری<sup>۱</sup>، ماهیار طاووسی<sup>۲</sup>، محمود طاووسی<sup>۳</sup>، فرهنگ خادمی ندوشن<sup>۴</sup>

## تحلیلی درباره ویژگی‌های نقوش ظروف زرین و سیمین دوره هخامنشی، در مقایسه با آثار فلزی پیش از آن

### چکیده

هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ ق.م.) که وارثان فرهنگ و تمدن و هنر اقوام بومی و پیشین فلات ایران و نیز فاتحان حکومت‌های ماد، ایلام، بابل، آشور، اورارتو و جز اینها بودند، طبیعتاً در هنر و فرهنگ خود، هم از فرهنگ‌های بومی پیشین و هم از تمدن و هنر فرهنگ‌های تابعه تأثیر می‌پذیرفتند. آنها در ساخت و ساز بناها و آثار ارزشمند جنبی معماری، هم از اورارتو و هم از آشور ایده گرفتند و با گسترش امپراتوری، همان‌گونه که داریوش در کتیبه خود (DS) - به دست آمده از شوش - از همکاری و معاضدت هنرمندان سرزمین‌های تابعه یاد کرده و سهم هنرمندان هر سرزمین را به وضوح شرح داده است. اما موضوعی که در این مقاله مورد پرسش قرار می‌گیرد، این است که چرا همه نقوش هنری ظروف فلزی بازمانده از دوره هخامنشیان با وجود اینکه داریوش به صراحت به همکاری هنرمندان سرزمین‌های تابعه - که در پدید آوردن آثار هخامنشی مؤثر بوده‌اند - پرداخته است، لیکن این آثار مشخصاً متمایز از آثار هنری آن سرزمین‌هاست. در اینجا پرداختن به تمام آثار بازمانده و وجوه تمایز آنها از جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناسی ممکن نیست. در نتیجه، تنها به صورت موردی به مقایسه جام‌های به دست آمده از املش، حسنلو، مارلیک و کلاردشت با آثار مشابه هخامنشی پرداخته می‌شود و سپس نقش‌مایه‌های خاص هخامنشی بررسی می‌گردند. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی - تاریخی - مقایسه‌ای است و ابزارهای کار عبارت‌اند از اشیای زرین و سیمین موجود در موزه ملی و موزه رضا عباسی.

**کلیدواژه‌ها:** هخامنشیان، اقوام بومی، ظروف فلزی، املش، حسنلو، مارلیک، کلاردشت.

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: hejebri@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، استان تهران، شهر تهران

E-mail: mahyartavoossi@yahoo.com

۳. استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، استان تهران، شهر تهران

E-mail: Tavoosimahmoud@yahoo.com

۴. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، استان تهران، شهر تهران

E-mail: khademif@modares.ac.ir

## مقدمه

کورش هخامنشی با چیرگی بر پدربزرگش استیگ طومار پادشاهی مادها را در هم پیچید (۵۵۰ ق.م.)؛ بدین گونه هم بر ماد و هم بر سرزمین‌های تابعه آن دست یافت و با به زیر فرمان درآوردن حکومت لیدی توانست به بخش اعظم شبه‌جزیره آناتولی نیز مسلط شود. جانشینان کورش پس از وی دنباله فتوحاتش را گرفتند و دولتی پدید آوردند که از شمال هندوستان تا نواحی جنوب اروپا و شمال آفریقا - مصر و لیبی - و بین‌النهرین را دربرمی‌گرفت. قدرت فراگیر داریوش و تسلط مدبرانه او بر سرزمین‌های تابعه و گرفتن خراج و مالیات از آن سرزمین‌ها گنجینه‌های او را سرشار از ثروتی گرانبار کرد که همه‌ساله نیز به آن افزوده می‌شد. انباشت ثروت به همراه مدیریت استوار وی سبب رونق اقتصادی در همه بخش‌های کشور گردید. ایجاد راه‌ها به منظور برقراری شبکه ارتباطی منظم بین سرزمین‌های تابعه و ایجاد ساتراپی‌ها در همه بیست و چند سرزمین تحت سلطه، و آرامش سیاسی و نظم و ترتیب در همه ارکان حکومت، سبب رشد و تعالی کشور از هر حیث گردید.

بدین ترتیب، توجه از سفال به فلزات گرانبها برای ساختن ظروف و جذب هنرمندان دیگر سرزمین‌ها و ایجاد کارگاه‌ها و نظارت و مدیریت هنری خاص ایرانی، سبب شد تا آنچه که هنرمندان می‌آفریدند با آنچه که تا آن روز به دست دیگران پدید آمده بود به کلی متفاوت باشد. آثار بازمانده در موزه‌های ایران و جهان و مقایسه آنها با آثار هخامنشی گویای این مطلب است. در این نوشتار کوشش می‌گردد که به این پرسش، پاسخ داده شود: میزان تفاوت هنر دوره هخامنشی با هنرهای پیش از آن، در ساخت و تزئین ظروف فلزی، به چه میزان است و در چیست؟ به هر حال در این مقاله، بررسی تمامی اشیای موجود در موزه‌ها، برای پاسخ به این پرسش ممکن نیست. به همین خاطر به صورت موردی تعدادی از ظروف فلزی مربوط به بومیان فلات ایران - همچون مارلیک، املش، حسنلو و لرستان - که در موزه ملی و موزه رضا عباسی نگهداری می‌شوند، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند.

روش تحقیق نیز در این پژوهش تاریخی - تطبیقی و تحلیلی است؛ و قصد بر این است که با این بررسی بتوان از علت(های) تمایز یا تفاوت آثار هخامنشی با آثار پیشینیان - و برتری آثار هخامنشیان - آگاه شد و دریافت که آیا هنر فلزکاری هخامنشیان تقلید صرف از هنرهای دیگران بوده است؛ یا هخامنشیان با الگوپذیری از آنها هنری خاص خود را پدید آوردند که جنبه جهانی پیدا کرد. به سخن گیرشمن: «در اجتماع هخامنشی، هنرهای تجملی و صنعتی جایگاه مهمی یافتند و توسعه این هنرها محدود به ناحیه خودشان نبود. تجارت جهانی در محیط نسبتاً وسیعی انجام می‌گرفت...» (گیرشمن، ۱۳۷۱، ۲۴۳).

## پیشینه آثار فلزی در فلات ایران

بنا بر تحقیقات انجام‌شده به وسیله دانشمندان باستان‌شناس و محققان تاریخ تمدن، پیشینه فلزکاری «از چندین هزاره پیش‌تر [از هخامنشیان] در فلات قاره ایران وجود داشته است...» (احسانی، ۱۳۸۲، ۷).

با این حال شاهکارهایی که از هنر فلزکاری در هزاره اول پیش از میلاد در ایران پیش از هخامنشی به وسیله بومیان پیشین در شمال و غرب فلات به دست آمده، نمایانگر ذوق هنری بسیار زیاد هنرمندانی است که توانسته‌اند به آفرینش‌هایی دست یابند که اکنون بیش از سه هزار

سال زبانزد اهل هنر و مورد توجه هنرشناسان بزرگ جهان است.

آثار کشف‌شده از املش و مارلیک و حسنلو و لرستان، چنان نظر هنردوستان و هنرشناسان جهان را به خود معطوف داشته که آنان کتاب‌ها و مقالات فراوانی را دربارهٔ آنها نگاشته‌اند. این آثار، چه از نظر تکنیک و روش ساخت و چه از جنبه زیبایی و هنری و مضامین اساطیری که بر روی برخی از آنها نقش شده و نیز تزئیناتی که آنها را مزین ساخته‌اند در جهان آن روزگار - و حتی امروز نیز - بی‌مانند و درخور تعمق است.

هخامنشیان که توانستند بر تمام سرزمین‌های فلات ایران و جز آن مسلط شوند، وارث هنرها و مشوق هنرمندان آنها شدند و با ثروت بی‌کرانی که فراهم آوردند و با استفاده از وجود هنرمندان خودی و جذب‌شده از سایر سرزمین‌ها، تداوم‌بخش هنرهای موجود و پیشین گردیدند. آثاری که هنرمندان دوران هخامنشی از زر و سیم پدید آوردند، هرچند تا حدودی تحت تأثیر هنرهای پیشینیان قرار داشته، لکن از نظر طرح و شکل به گونه درخور تأملی خاص خود آنان بوده است. برخی از پژوهشگران هنر، ملاک شناسایی ظروف هخامنشی یا تأیید هخامنشی بودن آنها را، نقوش برجسته پله‌های ورودی تخت جمشید می‌دانند، که در آن هدیه‌آوران اشیایی را در دست دارند. آنان معتقدند که با توجه به حجاری‌های تخت جمشید، کوچک‌ترین شکی در اصالت و تاریخ‌گذاری آنها وجود ندارد، پس اگر ظرفی در این حجاری‌ها به چشم می‌خورد قطعاً متعلق به دورهٔ هخامنشی است و در همان زمان فراگیر شده و مورد توجه هنرمندان دیگر سرزمین‌ها قرار گرفته و از آنها تقلید شده است.

اما پرسش مورد نظر در اینجا، این است که آیا هخامنشیان عیناً از آثار گذشتگان (هنرمندان مارلیک، حسنلو و جز اینها) تقلید کرده‌اند یا نه. آنچه که مسلم می‌نماید، این است که در روش ساخت و تکنیک، احتمالاً کار هنرمندان هخامنشی تداوم کار پیشینیان است لکن از نظر نقش و مضمون به‌کلی با آنها تفاوت دارد. از جنبه فنی یا تکنیکی نیز هنرمندان هخامنشی به ظریفی دست یافته بودند که تا آن زمان وجود نداشت. با توجه به این مقدمات، در ادامه به بررسی و تحلیل چند نمونه از آثار شاخص فلزکاری پیش از هخامنشیان و مقایسه آنها با ظروف مشابه هخامنشی پرداخته می‌شود و وجوه تمایز آنها به اختصار بیان می‌گردد.

### جام مفرغی منقوش املش

شکل بدنهٔ این جام مفرغی استوانه‌ای است که در ناحیه میانی جام کمی مقعر شده و لبه آن اندکی به بیرون انحنایافته که با تزئیناتی به شکل گیس‌باف دورادور جام را پوشانیده است. بدنه نیز به دو بخش تقریباً مساوی تقسیم گردیده که حد فاصل بخش بالا با پایین با نواری دارای تزئین زیگزاگی مزین شده است. در هر دوی این بخش‌ها تصاویر زیبایی از اسب‌های شاخدار با گردن‌های کشیده به صورت نقش‌های کنده در سبکی جدید و تزئینی و بسیار ظریف و باشکوه به چشم می‌خورد. جهت حرکت اسب‌های بخش بالایی از راست به چپ است، و پایینی‌ها بر خلاف آن، از چپ به راست. آنچه که در این جام جلب توجه می‌کند، این است که شکل و فرم اسب‌ها حالتی فوق طبیعی دارد، زیرا گردن اسب‌ها بسیار کشیده و به سمت پایین انحنایافته است و موها و طره‌های بالمانندی مفاصل پاها و دست‌های جانور را تزئین کرده و بدین ترتیب جنبه‌ای کاملاً سوررئال یا فراواقعی به جانور داده شده است [۱]. می‌بایست توجه داشت که مشابه چنین ظرفی، عیناً با طلا در کاوش‌های مارلیک به دست آمده است که فقط تفاوت آن در تزئینات دور تا دور لبه

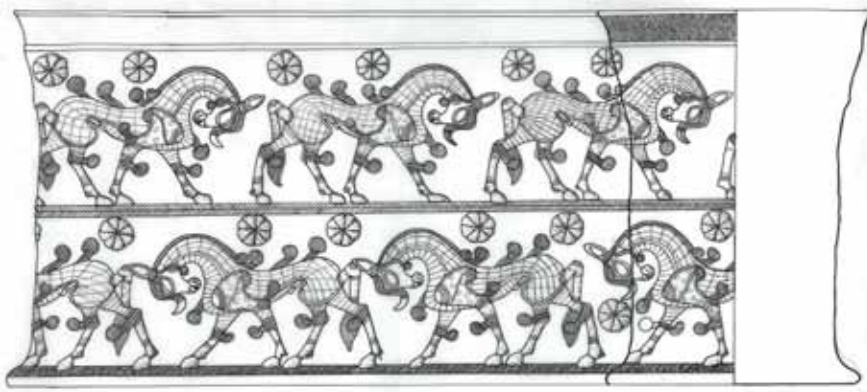
و وسط و پایین جام است؛ و دیگر اینکه جهت حرکت اسب‌های مارلیک، برعکس آن جهتی است که در جام املش دیده می‌شود [۲] (شکل ۱ و ۲).



شکل ۲. جام زرین مارلیک  
(نگهبان، حفاری مارلیک)



شکل ۱. جام مفرغی املش  
(موزه رضا عباسی)



طرح جام زرین مارلیک

### جام زرین مارلیک

در این جام، که از لحاظ شکل همانند دو جام پیش گفته است، نقوش بدنه جام بدون اینکه با تزئینی از یکدیگر جدا شده باشد، به چهار بخش تقسیم گردیده است. در بخش پایینی جام، تولد و تغذیه نوزاد گوزنی به چشم می‌خورد که از شیر مادر تغذیه می‌کند. در ردیف دوم از پایین، نوزاد رشد کرده است و اکنون خود از شاخ و برگ درختان تغذیه می‌کند. و در ردیف سوم از پایین به بالا، گرازهایی مشاهده می‌شوند که به دنبال هم در حرکت‌اند و پرندگانی بر فراز آنها در حال پرواز؛ و در سطح چهارم، نزدیک به لبه جام، همان گوزن نوزاد، مرده - یا کشته شده - است و لاشخوارها از لاشه آن تغذیه می‌کنند. این جام به نام "جام افسانه حیات" معروف است. موضوع درخور توجه در تصاویر، این است که روایتی از تولد تا مرگ بیان می‌گردد که به صورت تجسمی به بیننده، روایت زاد و مرگ یا افسانه حیات را القا می‌کند [۳] (شکل ۳).



شکل ۳. جام مارلیک  
(کاتالوگ موزه ملی ایران)

### جام زرین حسنلو

این جام که در سال ۱۹۵۸ به وسیله دایسون از منطقه حسنلو در استان آذربایجان غربی کشف شد، در بردارنده روایتی داستانی یا اسطوره‌ای است که با قلم‌زنی بر روی آن نقش بسته است. «تزیینات سطح جام در دو ردیف فوقانی و تحتانی اجرا شده‌اند، که می‌توان آنها را در قالب داستانی یگانه تفسیر کرد. در سمت چپ ردیف فوقانی، سه رب‌النوع سوار بر ارابه دیده می‌شوند. رب‌النوع پیشین، خدای طوفان است که ارابه او را گاوهای وحشی می‌کشند و در مقابل وی دو ایر کوچک ترسیم شده‌اند که نماد باران و آب هستند...» (دایسون، ۱۳۸۷، ۱۲۹).

خانم پرادا موضوع تصاویر نقش‌بسته بر این جام را حماسه‌ای هوری می‌داند. پرادا به بحث مفصلی درباره این نقوش و افراد و خدایان منقوش بر جام می‌پردازد و سرانجام چنین نتیجه می‌گیرد: «ویژگی‌های چندی در این جام به چشم می‌خورند که به طور مشخصی ایرانی‌اند - یا دست کم ایرانی شده‌اند - برای مثال، شیوه‌ای که کمان‌دار کمان را بر روی پای خود نهاده حرکتی است که بعدها در هنر ماد و هخامنشیان یافت شد...» [۴] (پرادا، ۱۳۸۳، ۱۳۸-۱۲۸) (شکل ۴).



شکل ۴. جام حسنلو (کاتالوگ موزه ملی ایران)

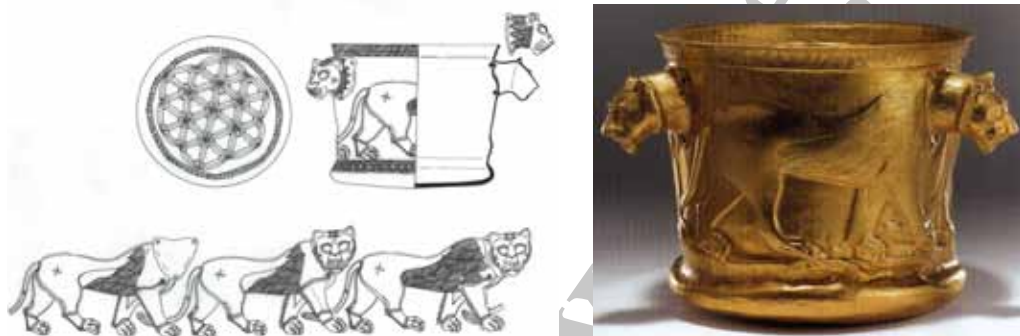
در آثار فلزی هخامنشی، چنین نگاره‌هایی که از جنبه هنری و زیبایی‌شناسی و اسطوره‌پژوهی بتوانند به اندازه این اثر جای بحث و بررسی داشته باشند به چشم نمی‌خورند. از لحاظ مفهومی و اینکه چرا به اسطوره‌نگاری در این جام پرداخته شده است، و مشابه آن هیچ‌گاه در آثار هخامنشی دیده نمی‌شود، می‌تواند به دلایلی از این دست باشد:

الف) هخامنشیان تنها به اهورامزدا یا خدای یگانه‌ای که در سرلوح بیشتر کتیبه‌های آنان نقش بسته است، اعتقاد داشتند و نه به خدایان متعدد.

ب) هخامنشیان به خط دست یافته بودند و نیازی نداشتند که رخدادها یا باورداشته‌های‌شان را با تصویرگری منقش سازند.

### جام زرین هخامنشی

هنرمندان هخامنشی برای نشان دادن توانایی هنری‌شان، با الهام گرفتن از هنر فلزکاران پیشین (برای مثال از جام زرین کلاردشت [۵]) با مجسم کردن هیکل شیرها بر روی جام، سر آنها را به صورت برجسته بسازند و سپس به بدنه جام متصل کنند، جامی زرین با تجسم شیرهای برجسته که به دنبال هم در حرکت‌اند، زیبایی هر چه تمام‌تر آفرینند و چنین تصویر شاخصی را بر بدنه محدب جام نقش زدند که از نظر هنری و زیبایی و نمودار ساختن پیکره باشکوه این جانور، بی‌نظیر و یگانه است [۶] (شکل ۵ و ۶). این نیز خود نشان‌دهنده و تأییدکننده دیدگاه پروفیسور گیرشمن است که می‌نویسد:



شکل ۵. جام کلاردشت (کاتالوگ موزه ملی ایران)



شکل ۶. جام هخامنشی (موزه رضا عباسی)



«در هنر رسمی و مجلل هخامنشی‌ها، فقط به احترام سنت‌های کهن اکتفا نشده است و می‌توان دید که در تمام فنون، سیر تکاملی این هنرها بسیار محسوس‌تر از آن است که اکنون تصور کرده‌اند» (گیرشمن، ۱۳۷۱، ۲۵۱).

آنچه که از مباحث مطرح شده در این بخش می‌توان دریافت، این است که هنرمندان هخامنشی قطعاً با آثار فلزکاری مادها و اقوام دیگر ساکن در شمال غرب فلات ایران و لرستان آشنایی کامل داشته‌اند؛ اما یا خود آنان و یا مدیریت هنری ناظر بر کارگاه‌های هنری دربار، هیچ‌گاه اجازه تقلید صرف از نمونه‌های موجود را نداده‌اند. بدین ترتیب آنچه که این هنرمندان و فلزکاران پدید آورده‌اند، از هر نظر - چه از جنبه نحوه کار و چه از جنبه کاربرد هنرهای تزئینی به کاررفته در آثار باقی‌مانده - کاملاً به کارهای مشابه پیشینیان برتری داشته‌اند. در واقع با اینکه آنان به صورت‌های گوناگون تأثیر پذیرفته‌اند، لیکن این تأثیرپذیری به منظور برتر کردن کار و ارجحیت بخشی از منظر زیبایی‌شناسی و تکامل یا تحول بوده است. مقایسه تصاویر کارهای گذشتگان با کارهای مشابه هخامنشی، این تحول و تکامل را کاملاً نشان می‌دهد، و وجه تمایز آنها حتی با یک نگاه نیز مشهود است.

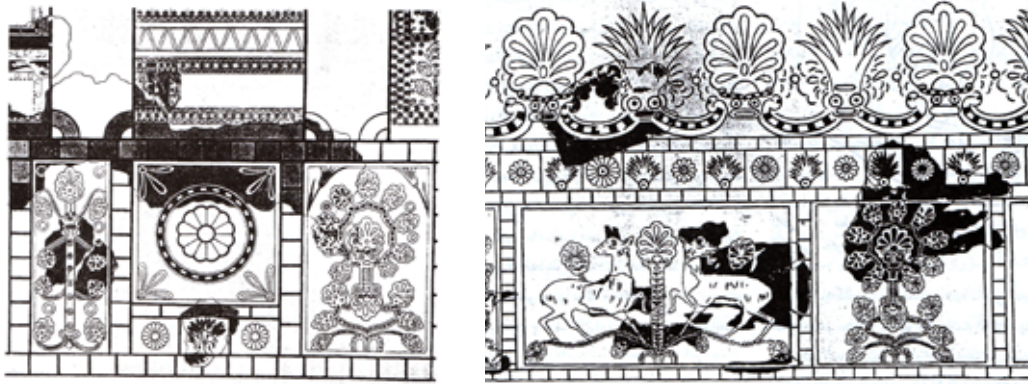
هنر هخامنشی نه تنها از لحاظ توجه به جنبه فنی کارها، بلکه از منظر زیبایی‌شناسی و تزئینات وابسته در تجسم بخشی نیز جایگاهی ویژه دارد. به قول گیرشمن، «حقیقت‌سازی هنر هخامنشی در تجسم حیوانات، موجب شکل‌گیری شاهکارهایی شده است. این مهارت در حیوان‌سازی بر روی نقوش برجسته بناهای هخامنشی مشاهده شده بود؛ منتها در اینجا موضوع‌هایی که روی اشیای هنری نقش شده‌اند با آزادی بیشتری مجسم گردیده‌اند» (گیرشمن، ۱۳۷۱، ۲۵۱).

گانتز نیز پس از بحث‌های مفصل درباره آثار کشف شده فلزی هخامنشی، چنین اظهار می‌دارد: «بسیاری از آنها از راه کشف‌های غیرمجاز به دست آمده‌اند، و نیز آنچه که یافت شده است نیز تنها شمار معدودی از همه آثار ارزشمند آن دوران را تشکیل می‌دهد. با این حال، آنچه که قویاً از آثار فلزکاری دوره هخامنشی استنباط می‌شود، این است که اجتماع دوره هخامنشی دارای ذوق هنری و فنی فوق‌العاده‌ای بوده است. همین ویژگی منجر به بحث خاصی درباره سنت‌های ایران زمین می‌شود. شکل‌های متمایز و متنوع ظروف هخامنشی، از قبیل ریتون شیپوری شکل، در پهنه گسترده‌ای از امپراتوری هخامنشی، به دست صنعتگرانی با نژادهای گوناگون ساخته می‌شده است» (گانتز و جت، ۱۳۸۳، ۲۵).

### نقش‌مایه‌های ترکیبی هخامنشی

هنرمندان هخامنشی هرگاه که نقش‌مایه‌های موجود در اثر دیگران توجه‌شان را به خود جلب می‌کرد، گاه با تلفیق و درهم آمیختن دو نقش‌مایه تزئینی، نقشی را آفریده است که هرچند در ظاهر اندک تشابهی با دو نقش‌مایه اصلی دارد، لیکن از جنبه زیبایی‌شناسی در حد اعلا کمال است.

برای مثال، هنرمند هخامنشی بر اثر تبادلات فرهنگی - هنری، با نقش‌مایه‌های نقاشی دیواری کاخ توکولتی نینورتای اول (شکل ۷) و نیز نقوش تزئینی آرگیشتی اول (شکل ۸) آشنا شد و با ذوق هنرآفرین خود، به خلق نقش‌مایه‌ای پرداخت که در تزئین بسیاری از آثار فلزی زرین و سیمین هخامنشی، با زیبایی هر چه تمام‌تر خودنمایی می‌کند، و از زیباترین نقش‌مایه‌های دنیای کهن و نشانه و نقش خاص هخامنشی به شمار می‌رود [۷] (شکل ۹).



شکل ۷. نقاشی دیواری کاخ توکولتی نینورتای اول  
منبع: مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد ۳، ۱۶۷



شکل ۸. نقوش تزئینی کتیبه آرگیشتی اول  
منبع: پیتروفسکی، تمدن اورارتو، ۴۱۵



شکل ۹. نقوش تزئینی ویژه هخامنشی (موزه ملی ایران)



### بشقاب‌های سیمین هخامنشی

نمونه دیگر، وجود بشقاب‌های سیمینی هستند که متأسفانه تنها یکی از آنها در ایران باقی مانده است و اکنون در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود.

«این [بشقاب یا] کاسه کم عمق دارای لبه‌ای صاف و به خارج برگشته است.» قبه مرکزی ظرف را چهارده پره تخم مرغی شکل، که بین زبانه‌های برگ‌گونه شعاعی شکل قرار دارند، احاطه کرده‌اند؛ و انتهای هر پره نیز درون غنچه نیلوفر قرار گرفته است. کتیبه‌ای به خط میخی پارسی باستان لبه داخلی ظرف را دربر گرفته است، ترجمه کتیبه چنین است: اردشیر شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر خشایارشا شاه، خشایارشا پسر داریوش شاه، در کاخ سلطنتی خود این بشقاب نقره را ساخته است [۸] (گانتز و جت، ۱۳۸۳، ۹۱) (شکل ۱۰).



شکل ۱۰. بشقاب سیمین هخامنشی (موزه ملی ایران)

بنا بر گزارش‌های ارائه شده، درست ظرفی مشابه آنچه که پیش‌تر در اینجا معرفی شد، «در مجموعه ژوزف برومر وجود داشت، که در سال ۱۹۴۷ در اختیار موزه هنر متروپولیتن نیویورک قرار گرفت.» سه ظرف دیگر [با همین ویژگی‌ها] به مجموعه بنیاد کورکیان پیوستند و در سال ۱۹۷۰ در یک حراج فروخته شدند (گانتز و جت، ۱۳۸۳، ۹۲). آن‌گاه گانتز و جت از قول پوزنر می‌افزاید: [۹]

«این چهار ظرف نقره، قطعاً در مجموعه بزرگی از ظروف دوره هخامنشی قرار می‌گیرند که از فلز یا سنگی مرغوب با کتیبه‌ای به نام «شاهنشاه پارسی» ساخته می‌شدند» (گانتز و جت، ۱۳۸۳، ۹۲).

سرانجام اینکه نیلاندر در این باره می‌نویسد: [۱۰] «ظروف کتیبه‌دار سلطنتی، ساخته شده از فلزات گرانبها، همانند آن چهار [یا پنج] ظرف نقره، مطمئناً به عنوان هدیه به خارج فرستاده می‌شدند. نمونه‌های مشابه نیز به احتمال زیاد، بخشی از لوازم سرویس شام پادشاه بوده‌اند؛ و

مسلم است که پادشاهان پارسی از آنها استفاده می‌کردند» (گانتر و جت، ۱۳۸۳، ۹۳). شگفت‌انگیز این است که جنس فلزات و عیار همه این ظروف، بر طبق آزمایش‌های انجام‌شده، کاملاً یکسان است. حتی عیار نقره آنها نیز بر روی ظروف نشان داده شده است. «بر روی این ظروف دو علامت تعیین عیار در برابر هم وجود دارند: یکی روی لبه داخلی نزدیک به کتیبه است و دیگری بر لبه خارجی. همه آنها از نظر شکل، ابعاد، وزن و تزئینات مشابه‌اند؛ و از طرفی نیز همگی دارای کتیبه‌ای به خط میخی پارسی باستان، از دوره اردشیر شاه بزرگ هخامنشی (۴۶۵-۴۲۵ ق.م.) هستند [۱۱] (گانتر و جت، ۱۳۸۳، ۹۱).

البته آنچه که ذکر شد، اندکی از آثار هنری فراوان دوران هخامنشی است. نیز ناگفته نماند که تمامی پژوهشگران معتقدند که تولید و ساخت این آثار ارزشمند و هنرمندانه نه به دست اشخاص و هنرمندان متفرقه، که همگی در کارگاه‌های سلطنتی بوده است و اینها با نظارت کامل و همه‌جانبه مدیریتی آگاه ساخته و پرداخته شده‌اند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که ذکر گردید، و از مجموعه بررسی‌های به‌عمل‌آمده، این نتایج به دست می‌آیند: - هنرهای فلزکاری اقوام پیشین و سرزمین‌های تابعه هخامنشیان در هنر عصر هخامنشی تأثیرگذار بوده‌اند.

- هنر فلزکاری دوره هخامنشیان تقلید صرف از آثار گذشتگان و معاصران نبوده است. - در هنر فلزکاری هخامنشیان، جز مواردی بسیار محدود، نقش‌مایه‌های جانوران ترکیبی به چشم نمی‌خورد.

- وقایع‌نگاری اسطوره‌ای به هیچ وجه در نقوش به‌کاررفته در فلزکاری هخامنشی دیده نمی‌شود و سبب آن اعتقاد نداشتن به خدایان اقوام پیشین، و باور به خدای یگانه یا اهورا مزدا بوده است. - مدیریتی سازمان‌دهی‌شده بر تولید هنر دوره هخامنشیان نظارت دقیق داشته که حتی اندازه‌ها و وزن و معیار فلزات به کاررفته در آثار را سنجش می‌کرده است. اگر مواردی جز این باشد، می‌توان گفت که اثر، یا در کارگاه‌های ساتراپی‌های دیگر ساخته شده است، و یا در کارگاه‌های خصوصی.

- هنرمندان فلزکار چیره‌دست و برگزیده، تمامی ذوق و دانش خود را به منظور هر چه بهتر خلق کردن شاهکارهای فلزی زرین و سیمین تجملی درباری به کار می‌گرفتند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. این جام مفرغی به شماره، ۷۸۲ در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود و دارای این ویژگی‌هاست: محل کشف: املش؛ قدمت: نیمه نخست هزاره اول ق.م؛ قطر دهانه: ۷/۱۱ سانتی‌متر؛ و ارتفاع: ۸/۲۲ سانتی‌متر.
۲. مشخصات جام زرین بدین قرار است: محل کشف: مارلیک (رحمت‌آباد) گیلان؛ قدمت: نیمه نخست هزاره اول ق.م؛ ارتفاع: ۵/۱۷ سانتی‌متر؛ وزن: ۲۲۶ گرم (نگهبان، کاوش‌های مارلیک، ۱۳۴۳).
۳. این ظرف که به شماره ۷۶۹۹ در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، دارای این ویژگی‌هاست: محل کشف: مارلیک، گیلان؛ قدمت: نیمه نخست هزاره اول ق.م؛ قطر دهانه: ۸ سانتی‌متر؛ و ارتفاع: ۵/۱۹ سانتی‌متر (کاتالوگ موزه ملی ایران).

۴. این جام زرین به شماره ۳۷۱۲ در موزه ملی ایران نگهداری می‌گردد، با این مشخصات: محل کشف: حسنلو، آذربایجان غربی؛ قدمت: نیمه نخست هزاره یکم ق. م.؛ ارتفاع: ۲۱ سانتی‌متر (کاتالوگ موزه ملی ایران).

۵. این جام زرین به شماره ۱۶۸۸ در موزه ملی ایران با این مشخصات نگهداری می‌شود: محل کشف: کلاردشت مازندران؛ قدمت: نیمه نخست هزاره اول ق. م.؛ قطر دهانه: ۱۲ سانتی‌متر؛ قطر کف: ۷/۱۰ سانتی‌متر؛ ارتفاع: ۱۰ سانتی‌متر (کاتالوگ موزه ملی ایران).

۶. این جام زرین هخامنشی به شماره ۲۵۸۷ با این مشخصات در موزه رضا عباسی است: قطر دهانه:  $8/11 \times 2/11$  سانتی‌متر؛ قطر کف:  $2/7 \times 6/6$  سانتی‌متر؛ ارتفاع: ۵/۷ سانتی‌متر؛ وزن:  $4/306$  گرم.

۷. این جام زرین هخامنشی به شماره ۱۳۲۱ در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، با مشخصاتی بدین قرار: محل کشف: همدان؛ قطر دهانه: ۸/۱۲ سانتی‌متر؛ ارتفاع: ۳/۲۲ سانتی‌متر؛ وزن: ۱۸۹۲ گرم. این نقوش گیاهی که بیشتر شامل گل و غنچه نیلوفر آبی است، به کرات در آثار هخامنشی مشاهده می‌شود و از تزئینات شاخص هخامنشی به شمار می‌رود (کاتالوگ موزه ملی ایران).

۸. برای دیدن ترجمه کتیبه در بشقاب‌ها، ن. ک: ۱۱، Kent, ۱۹۵۳؛ پی‌یر، لوکوک، ۳۲۰، ۱۳۸۲؛ و شارپ، فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی.

۹. ن. ک. Posener, 1935, nos. 37-99.

۱۰. ن. ک. Nylander, 1968, esp., 125-7.

۱۱. چهار ظرف معرفی شده به وسیله گانتز و جت، دارای این مشخصات اند: نحوه کار: چکش‌کاری، کنده‌کاری، و قلم‌زنی؛ ارتفاع: ۸/۴ سانتی‌متر؛ قطر دهانه: ۵/۲۹ سانتی‌متر؛ وزن: ۹۲۲ گرم. نکته درخور تأمل این است که با آزمایش‌های انجام گرفته از طریق روش فعال‌سازی نوترونی، اجزای تشکیل‌دهنده این ظروف چنین مشخص شده است:

آنتیموان	۰/۲۲ قسمت در میلیون
سلنیوم	۰/۳۹ قسمت در میلیون
آهن	۶/۲ قسمت در میلیون
کبالت	۰/۱۹ قسمت در میلیون
جیوه	۰/۱۶ قسمت در میلیون
کرم	۰/۲۲ قسمت در میلیون
اسکاندیوم	۰/۰۱۶ قسمت در میلیون

نقره	۹۷/۳ درصد
مس	۲/۴۱ درصد
طلا	۰/۳۳۷ درصد
ایریدیوم	۰/۱۱ قسمت در میلیون
روی	۷/۰ قسمت در میلیون
قلع	۴۰ قسمت در میلیون
آرسنیک	۰/۳۷ قسمت در میلیون

ناگفته نماند که مشخصات ظرف مشابه در موزه رضا عباسی، با آنچه که ذکر شد، اندکی تفاوت دارد و چنین است:

ارتفاع: ۱/۴ سانتی‌متر؛ قطر دهانه: ۴/۲۶ سانتی‌متر؛ وزن: ۷۵۰ گرم.

دیگر ویژگی‌ها - چه از جنبه ساخت و از چه از جنبه دارا بودن کتیبه و تزئینات - با ظروف اشاره شده یکسان است و به شماره ۴۰ در آن موزه نگهداری می‌شود.

## فهرست منابع

- احسانی، محمدتقی (۱۳۸۲) *هفت هزار سال فلزکاری در ایران*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- پرادا، ایدت (۱۳۸۳) *هنر ایران باستان*، ترجمه: یوسف مجیدزاده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- پیتروفسکی، بوریس (۱۳۸۳) *تمدن اورارتو*، ترجمه: دکتر حمید خطیب شهیدی، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- دایسون، رابرت هنری (۱۳۸۷) *کاوش در حسنلو*، ترجمه: علی صدراپی، صمد علیون، انتشارات گنجینه هنر.
- شارپ، نارمن (۱۳۴۲) *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی*، دانشگاه پهلوی، شیراز.
- کاتالوگ نمایشگاه گزیده‌ای از آثار زرین و سیمین موزه ملی ایران، سازمان میراث فرهنگی.
- گانتز، سی - جت، پل (۱۳۸۳) *فلزکاری ایران در دوران هخامنشی، اشکانی، ساسانی*، ترجمه: شهرام حیدرآبادیان، گنجینه هنر، تهران.

- گیرشمن، رومن (۱۳۷۱) *هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی*، ترجمه: عیسی بهنام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۲) *کتیبه‌های هخامنشی*، ترجمه: نازیلا خلخالی زیر نظر ژاله آموزگار، انتشارات فرزاد، تهران.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۸) *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*، جلد سوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۶۸، *حفاری مارلیک*، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- Kent, R.G. (1953) *Old Persian Grammar Texts*, Lexicon, New Haven, 2ed.
- Nylander, Carl (1968) *Assyria Grammata*, Remark on the twenty-first letter of themistokles.
- Posener, Georges (1936) *La premiere domination perse en Egypte*, Bibliotheque d'etude, Cairo: institute francais d'arclieologie orientale.